

راه برون رفت از بحران کنونی گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدائی دین و دولت است!

کشور ما با بحران‌های چندگانه و درهم تنیده - بحران اقتصادی، بحران اجتماعی، بحران محیط‌زیست و بحران سیاسی - و شکاف‌های متعدد اجتماعی روبروست که تداوم آن‌ها، می‌تواند کشور را با مخاطرات جدی مواجه سازد.



بحران اقتصاد: بارزترین نمودهای آن از هم‌پاشیدگی اقتصادی، افت شدید ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی، تورم، رکود، فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، تعطیلی و کاهش ظرفیت واحدهای تولیدی، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و نظام بانکی، کسری بودجه دولت و حجم عظیم دستگاه دولتی، گسترش بی‌رویه نقدینگی، تشدید وخامت زندگی گروه‌های وسیعی از مردم به ویژه کارگران و مزدبگیران، تجزیه لایه‌های میانی جامعه و سوق یافتن گروه‌های وسیعی از آن‌ها به سوی لایه‌های پائین و افزایش حجم تهیدستان کشورند.

بحران اجتماعی: شاخصه‌های آن را می‌توان در انفجار حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران، افزایش نرخ اعتیاد، سقوط سرمایه اجتماعی، نارضایتی‌های ملی، قومی و مذهبی، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های متعدد اجتماعی، انباشت کینه و نفرت و افزایش خشونت مشاهده کرد.

بحران آب و محیط‌زیست: مهمترین مظاهر آن در بحران کم‌آبی، تنش آبی در مناطق، آلودگی هوا، پدیده ریزگردها، از بین رفتن جنگل‌ها، نابودی تالاب‌ها، بیابان‌زایی و فرسایش خاک است.

بحران سیاسی: مشخصه اصلی آن بحران مشروعیت، بحران کارآمدی، بحران ایدئولوژیک و رهبری جمهوری اسلامی و چالش جریان‌های درون آن از یکسو و از سوی دیگر نارضایتی گسترده و فزاینده مردم، تشدید اعتراضات صنفی و مدنی و شکل‌گیری اعتراضات خیابانی است که موج‌وار برآمد می‌کنند. جمهوری اسلامی با بحران یکپارچگی در نظام سیاسی و مدیریتی، گسیختگی بین ارکان قدرت، فساد ساختاری و عدم توانائی اداره کشور روبرو است.

جامعه ایران با شکاف سنت و تجدد، شکاف اقتدارگرایی - دموکراسی، شکاف طبقاتی، شکاف سکولاریسم - تئوکراتیسم، شکاف جنسیتی، شکاف نسلی، شکاف ملی - قومی و مرکز - حاشیه روبرو است. این شکاف‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند و بر روی هم انبار می‌شوند. فعال بودن شکاف‌ها، خطر گسیختگی جامعه را بالا برده است.

گسل‌ها و شکاف‌های اجتماعی در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار دارند. گروه‌های اقلیتی، اقلیت‌های مذهبی، زنان و جوانان محروم از تامین حقوق خود و سهمی درخور در مدیریت کشور، ناراضی هستند. بخش بزرگی از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها بیکارند. دستگاه‌های تصمیم‌ساز از نخبان تخلیه شده، مهاجرت به خارج از کشور شدت یافته، شکاف طبقاتی عمق بی‌سابقه‌ای پیدا کرده، فقر در بین گروه‌های وسیعی از جامعه انباشته شده و ثروت‌های نجومی در دست گروه اندکی متمرکز گشته است. این وضعیت، سرمایه اجتماعی و امید در بین مردم را به شدت تخریب نموده است. تخریب این دو، جامعه را بی‌افق ساخته و این دریافت را در بین گروه‌های وسیعی از جامعه به وجود آورده است که "وضعیت کشور ناپایدار است."

بنیان این وضعیت بحرانی در سیاست‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی است. ساختار و ترکیب قدرت حاکم و عملکرد مخرب آن طی چهار دهه گذشته، کشور ما را به بن‌بست کشانده است. راهی برای برون‌رفت از وضعیت بحرانی در درون جمهوری اسلامی وجود ندارد. جمهوری اسلامی مشروعیتش را از دست داده و فاقد برنامه برای برون‌رفت از وضعیت کنونی است.

اعتراضات مردمی

اعتراضات مردمی کشور را فرا گرفته است. تظاهرات مردم در دیماه گذشته در بیش از ۸۰ شهر و سپس در مردادماه سال جاری در چند شهر بزرگ، همراه با اعتصابات و اعتراضات هر روزه صنفی و مدنی گروه‌های مختلف کشور، شاخص مهمی در وضع کنونی و در مناسبات مردم و حاکمیت است.

زمینه‌های مساعد در جامعه برای برآمد، گسترش و تداوم اعتراضات وجود دارد. تعادل قوا اجازه نمی‌دهد که حکومت به سرعت اعتراضات را خاموش کند، از اینرو اعتراضات تداوم می‌یابند. این اعتراضات هنوز فراگیر و سراسری نشده و از سازماندهی ضرور و رهبری برخوردار نیستند. به علاوه بدون پیوند باهم جریان دارند. جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی طبقات متوسط، کارگران و تهیدستان، اقلیت‌های ملی- قومی، با هم پیوند نخورده‌اند. علیرغم این کاستی‌ها، از آنجا که جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند پاسخگوی مطالبات آنها باشد، محتمل‌ترین سیر آتی تداوم و اوج‌گیری آنهاست. در این شرایط امکان سر برآوردن خیزش قوی‌تر از دیماه منتفی نیست.

تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی خارجی

بحران‌های داخلی و اعتراضات مردمی با تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی خارجی همزمان شده است. دولت امریکا با تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی و اعمال فشارهای شدید سیاسی، می‌خواهد جمهوری اسلامی را به زانو درآورد. تحریم‌های دولت امریکا تا کنون موثر افتاده، بحران اقتصادی را تشدید کرده، به شتاب گرفتن فرار سرمایه‌ها از کشور، به کاهش شدید ارزش پول ایران در برابر ارزهای خارجی انجامیده، تاثیرات مخربی بر زندگی مردم گذاشته، تولید را گران‌تر و به روند ورشکستگی واحدهای تولیدی شدت بخشیده است. با آغاز تحریم‌های دور دوم، اقتصاد کشور در وضع به مراتب دشوارتری قرار خواهد گرفت، بیکاری افزایش خواهد یافت و فقر و فلاکت در کشور گسترده‌تر خواهد گشت.

دولت ترامپ اعلام کرده است که می‌خواهد رفتار جمهوری اسلامی را تغییر دهد و سران آن را وادار سازد که خواست‌های دوازده‌گانه‌اش را بپذیرد. سران رژیم ایران به خواست‌های دولت ترامپ تن نداده و بر این تصور است که می‌تواند در مقابل تحریم‌های کمرشکن بایستد و "نظام" را نجات دهد. رابطه پرتنش امریکا با بسیاری از کشورها، مفرهای واقعی برای جمهوری اسلامی فراهم آورده است تا بتواند به این مقابله دست زند. این تقابل، سیاستی بی‌چشم انداز و خطرناک برای کشور ماست. تداوم تنش با امریکا در "بهترین حالت" ظرفیت‌های کشور را برای بازسازی و بهسازی خود باز هم بیشتر به هدر می‌دهد و در "بدترین حالت" می‌تواند به رورروئی نظامی با تمام عواقب مخرب آن، بیانجامد.

برای برون‌رفت از بحران‌ها

برای برون‌رفت کشور از بحران کنونی باید تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد. اما جمهوری اسلامی سد راه هر نوع تغییر بنیادین در کشور ماست. برون‌رفت از وضعیت بحرانی کشور و خروج از بن‌بست، مستلزم گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک و سکولار در کشور است.

جمهوری اسلامی با بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، با جنبش اعتراضی رو به گسترش در داخل کشور و با فشارهای خارجی و تحریم فلج‌کننده اقتصادی روبرو است. تراکم بحران‌ها و همزمانی عوامل سه‌گانه می‌تواند جمهوری اسلامی را فلج کنند. وضع کنونی قابل دوام نیست. کشور ما آستان تغییرات است. عوامل متعددی در چگونگی این روند تاثیرگذار است. هم عوامل درونی و هم عوامل بیرونی. هم روندها در پائین، سطح و ابعاد اعتراضات، سازمانیابی و پیوند خوردن آنها، وضعیت اپوزیسیون و هم روندها در بالا، در اراده و توان سرکوب حکومت، در شکاف و اختلاف بین گروه‌های حاکم و هم در مقاومت رژیم در برابر دولت ترامپ و یا عقب‌نشینی و سازش با آن.

می‌توان گفت که جمهوری اسلامی در مسیر فروپاشی گام بر می‌دارد. با این وجود جمهوری اسلامی هم‌اکنون با تکیه به ارگان‌های امنیتی - اطلاعاتی، نظامی و پایگاه اجتماعی خود، کاریست تجارب گذشته در دور زدن تحریم‌ها، بهره‌گیری از شکاف بین اتحادیه اروپا و دولت ترامپ از یکسو و از سوی دیگر به جهت فقدان اپوزیسیون قوی، نبود چشم‌انداز امیدوارآفرین و ترس مردم از بهم خوردن امنیت کشور، می‌تواند همچنان به سلطه خود تا چشم‌انداز نزدیک ادامه دهد. به هر میزان که توازن قوا به زیان حکومت تغییر کند به همان میزان زمان برای استمرار حکومت کوتاهتر می‌شود. در شرایط کنونی بحران سیاسی رو به گسترش است، اما هنوز جمهوری اسلامی از "توان سرکوب" و "اراده سرکوب" برخوردار است. تجربه نشان می‌دهد تداوم اعتراضات مردمی و بحران‌ها، می‌تواند به ریزش نیرو در پایگاه اجتماعی منجر شود، شکاف در بین نیروهای امنیتی - نظامی را شکل دهد، "توان سرکوب" حکومت را تضعیف و اراده آن را سست کند.

در گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی، نیروی ما در اساس جنبش‌های اعتراضی، همکاری و ائتلاف نیروهای جمهوریخواه و دموکرات و مجموعه عناصری از اصلاح‌طلبان است که به ضرورت تغییر در ساختار جمهوری اسلامی و جدائی دین و دولت رسیده‌اند. در شرایط کنونی، ما بر سیاست‌های زیر تاکید داریم:

- دفاع از اعتصابات و اعتراضات کارگران، مزد و حقوق‌بگیران، تهیدستان، معلمان، دانشجویان، زنان، رانندگان کامیون و بازنشستگان و تقویت آن‌ها
- تلاش برای سازمانیابی اعتراضات مردم، فراگیر و سراسری شدن آن از یکسو و از سوی دیگر پیوند جنبش اعتراضی کارگران، معلمان، بازنشستگان، تهیدستان با جنبش اعتراضی طبقه متوسط؛
- همکاری و ائتلاف نیروهای جمهوریخواه دموکرات و سکولار و شکل دادن ثقلی از این نیروها برای گذار به یک جمهوری دموکرات و سکولار؛
- گفتگو با جریان‌های باورمند به آزادی و دموکراسی و همکاری موردی با آن‌ها؛
- امیدآفرینی در بین مردم به امکان تغییر و ترسیم افق جامعه آزاد و عادلانه؛

تحقق شعار نان، کار و آزادی، دفاع از منافع و مطالبات کارگران و مزدبگیران و مبارزه علیه سیاست سلطه‌گرانه و جنگ‌طلبانه امریکا و متحدانش در منطقه و سیاست‌های تنش‌آفرین و توسعه‌طلبانه جمهوری اسلامی، جزو سیاست‌های پایه‌ای ماست که همواره بر آن تاکید داریم.

قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست ولی‌فقیه، نظامی - امنیتی‌ها، روحانیون حکومتی و راست افراطی متمرکز شده است که در راس آن ولی‌فقیه قرار دارد. در گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری دموکراتیک و سکولار، سمت اصلی مبارزه ما علیه بلوک قدرت و در راس آن ولی‌فقیه و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) به عنوان نیروی مدافع آزادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم، ضمن دفاع از منافع و مطالبات کارگران و زحمتکش‌شان، در جهت تامین شرائط ذهنی تحول سیاسی در کشور، سازمانیابی اعتراضات مردم و شکل‌گیری ثقلی از نیروهای جمهوریخواه دموکرات و سکولار گام بر می‌دارد. ما امیدواریم که با گسترش اعتراضات مردمی و اعتصابات سراسری، گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی امکان‌پذیر گردد.

شورای مرکزی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)
۲۱ آبان ۱۳۹۷ (۱۲ نوامبر ۲۰۱۸)